

# The Position of Ghīyath al-Dīn Isfahānī in the Tradition of Persian Medical Writing

Afsaneh Bonyadi ✉

Department of History of Medical Sciences, School of Allied Medical Sciences,  
Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.

E-mail: bonyadi.afsane@gmail.com. (<https://orcid.org/0000-0002-5171-8747>)

## Article Info

### Article type:

Research Article

### Article history:

Received 13 January 2024

Revised 7 June 2024

Accepted 29 June 2024

Published online 10 September  
2024

### Keywords:

Ghīyāhh al-nnn aaahān,,  
*kkhīyāāt aa dīī*, Medical  
Manuscript, *Māāā al-Şhḥat*,  
Ottoman Empire.

## ABSTRACT

The book *Māāā al-Şhḥat*, “Mrrror of ee atth,” oo oe of hē Peaaa medaal xxss wtttnnnn hē tt oman ooooooq auhloed by Ghīyāhh al-nnn fffahānī nnthe 9<sup>th</sup> century AH. He studied mednnn under Şadr al-ī n AĀī Iffahān,, Shaaaf al-nnn aa an Shrrāzī nnaaa, and Shaaaf al-DnnŞābūnjī gg γii nmmmsya, Tukley. Ghīyāhh al-nnn fffahānī dedaaaddhle book *Māāā al-Şhḥat* to Bayezid II. This book is organized into two sections: theoretical and practical mednnn. A manucppp nhhle authohhh hndwtttrng ss peeeevved nnī e ‘āaary of the Faculty of Medicine at the University of Tehran under number 293. This research was conducted using library methods and text analysis. In this study, through comparative analysis, the text and structure of this book were compared with medical sources from the Islamic period before the 9<sup>th</sup> cenuuyA.. Thss eēearch hhhws hāt Ghīyāhh al-nnn aaahān,, in auhloing hss wolk utilized various medical texts such as *āā nūn*, *Zakhīry-i Khwārazmshāhī*, *Ikhīyārāt Badīī*, and *Tahhī. al-Abdān*, in addition to his own medical experiences. It also appears that some of Ghīyāth al-Dīnss quooooos in *Māāā al-Şhḥat* from āāhib-i Minhāj, āāhib Jāmi’, and Ibn Zuhr were mediated through the book *kkhīyārāt Badīī*.

**Cite this article:** Bonyadi, A. (2024). The Poiiion of Ghīyāhh al-nnn fffahānī in hē TaaWtā’n of Peaaa Mel’””1 Wtttrng.  
*Journal for the History of Science*, 21 (2), 115-129. DOI: <http://doi.org/10.22059/jihs.2024.371050.371775>

© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press



## جایگاه غیاث‌الدین اصفهانی در سنت فارسی نگاری پزشکی

افسانه بنیادی

گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

رایانامه: bonyadi.afsane@gmail.com

<https://orcid.org/0000-0002-5171-8747>

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰</p> <p>کلیدواژه‌ها:  اختیارات بدیعی، امپراتوری عثمانی،  غیاث‌الدین اصفهانی، مرآة الصحة.</p>	<p>کتاب <i>مرآة الصحة</i> یکی از متون طبیبی فارسی نوشته شده در قلمرو عثمانی است که غیاث‌الدین اصفهانی در سده نهم قمری به رشته تحریر در آورده است. وی پزشکی را نزد صدر الدین علی اصفهانی و شرف الدین حسن شیرازی در ایران و شرف الدین صابونچی اوغلی در آماسیه ترکیه فرا گرفت. غیاث‌الدین اصفهانی کتاب <i>مرآة الصحة</i> را به بایزید دوم تقدیم کرد. این کتاب در دو قسم طب نظری و عملی تنظیم شده است. نسخه به خط مؤلف در کتابخانه دانشکده پزشکی دانشگاه تهران به شماره ۲۹۳ محفوظ است. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و بررسی متون انجام شد. در این پژوهش با استفاده از مطالعه تطبیقی، متن و ساختار کتاب <i>مرآة الصحة</i> با منابع طبیبی دوره اسلامی پیش از قرن ۹ ق مقایسه و مقابله گردید. این پژوهش نشان می‌دهد غیاث‌الدین اصفهانی در تألیف اثرش، علاوه بر تجربیات طبیبی خویش، از متون مختلف طبیبی همچون <i>قانون فی الطب</i>، <i>ذخیره خوارزمشاهی</i>، <i>اختیارات بدیعی</i> و <i>تشریح الابدان</i> بهره برده است. همچنین به نظر می‌رسد، برخی نقل قول‌های غیاث‌الدین در <i>مرآة الصحة</i> از صاحب‌منهاج، صاحب‌جامع و ابن زهر به واسطه کتاب <i>اختیارات بدیعی</i> است.</p>
<p>استناد: بنیادی، افسانه (۱۴۰۲). جایگاه غیاث‌الدین اصفهانی در سنت فارسی نگاری پزشکی. <i>تاریخ علم</i>، ۲۱ (۲)، ۱۱۵-۱۲۹</p> <p>DOI: <a href="http://doi.org/10.22059/JIHS.2024.371050.371775">http://doi.org/10.22059/JIHS.2024.371050.371775</a></p>	



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### مقدمه

پس از استقرار سلجوقیان و امرای دست‌نشانده آنان در آسیای صغیر، زبان فارسی به تدریج زبان رسمی آن سرزمین شد (ریاحی، ۱۳۶۹: ۲۸؛ چتین و مقدم، ۱۳۸۸: ۵۴). سلاطین عثمانی نیز از آغاز تشکیل دولتشان به زبان فارسی با عشق و علاقه خاصی می‌نگریستند چنانکه در قرن هفتم و هشتم هجری، آسیای صغیر یکی از مراکز مهم ادب فارسی و محل تجمع شاعران و نویسندگان فارسی‌گوی به خصوص عده کثیری از عارفان ایرانی بود که به آن سرزمین مهاجرت کردند و آثاری شیوا به زبان فارسی پدید آوردند (آیدین، ۱۳۸۵: ۳۲). در سراسر قرن نهم و دهم قمری، کسانی که در زبان فارسی توانایی بالایی داشتند و از استعداد خوبی برخوردار بودند از سوی دربار عثمانی مورد توجه قرار می‌گرفتند، از این رو برخی مناصب خاص به ایرانیان اهل قلم اعطا می‌شد (ریاحی، ۱۴۴-۱۴۳). بر اساس سیاست سلطان محمد فاتح، علمایی در رشته‌های گوناگون الهیات، حکمت، فلسفه، ریاضیات، نجوم، طب و موسیقی عازم استانبول شدند. نفوذ دانشمندان ایرانی در عثمانی در حدی بود که از هفت طبیب خاصه سلطان محمد فاتح چهار نفر و از نمایندگان ارکان اربعه علم در دربار دو تن ایرانی بوده‌اند (حیدرزاده، ۱۳۷۶: ۵۹-۶۰). در دوران بایزید دوم (حک: ۸۸۶-۹۱۸ ق) که دهه پایانی سلطنت وی مقارن با ظهور سلسله صفویه در ایران بود، دوره جدیدی در جذب علما و دانشمندان ایرانی به دربار عثمانی فراهم شد، در این دوره آثاری به زبان فارسی نگاشته شد. یکی از آثار، کتاب *طبی مرآة الصحة* است که دست‌نوشته آن تاکنون تصحیح نشده است. غیاث‌الدین محمد بن علاء‌الدین سبزواری اصفهانی، این اثر را در سال ۸۹۶ ق به نام بایزید دوم در قلمرو عثمانی نوشته است. سیریل الگود از غیاث‌الدین اصفهانی به عنوان یک پزشک معمولی عصر صفویه یاد می‌کند و درباره اثرش متذکر شده که غیاث‌الدین در هیچ جای کتاب به منابعی که از آنها بهره گرفته، اشاره نکرده است، اما بسیاری از عبارات ذخیره جرجانی را به تفصیل آورده و از مؤلف آن یاد نکرده است. این کتاب را نمی‌توان سرقت ادبی دانست زیرا دارای یک فصل کامل و جامع در باره داروهاست (الگود، ۱۹۵۱: ۳۵۵؛ الگود، ۱۹۷۰: X) که آن را از برخی نوشته‌های دیگر متمایز می‌کند. از این رو این نوشتار به بررسی کتاب *مرآة الصحة* پرداخته و با کاوش در متن و محتوای اثر سعی دارد شیوه نگارش و میزان بهره‌گیری غیاث‌الدین اصفهانی از کتب طبی تمدن اسلامی را مشخص کند.

### غیاث‌الدین اصفهانی

غیاث‌الدین محمد بن علاء‌الدین سبزواری اصفهانی مشهور به «غیاث‌متطبب» و «غیاث‌مجلد الاصفهانی» (غیاث‌الدین، *مرآة الصحة*: ۴۴۸؛ صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۱: ۲۲۹) از پزشکان سده نهم هجری قمری است. پدر وی حکیم محمد علاء بن هبة‌الله سبزواری پزشک ایرانی بود که پیش از سال ۸۷۱ ق /

۱۶۶۸م به همراه فرزندش غیاث‌الدین از اصفهان به قلمرو عثمانی مهاجرت کرد (الگود، ۱۹۵۱: ۳۵۶). غیاث‌الدین نیمی از تحصیلات خود را در ایران نزد صدرالدین علی اصفهانی و شرف‌الدین حسن شیرازی و نیمی دیگر از آن را در آماسیه ترکیه نزد شرف‌الدین صابونچی اوغلی گذراند (غیاث‌الدین، *مرآة الصحة*: ۳۵۰، ۳۸۶). وی کتاب *مرآة الصحة* را در سال ۸۹۶ ق به نام بایزید دوم، پادشاه عثمانی نگاشت (غیاث‌الدین، *مرآة الصحة*: ۳).

### معرفی نسخه های اثر در ایران

در فهرست نسخ خطی ایران (فنخا) چهار نسخه از این اثر یاد شده است، به ترتیب زیر:

- نسخه کتابخانه دانشکده پزشکی دانشگاه تهران به شماره ۲۹۳، این نسخه کامل و دست‌نویس مؤلف است. نسخه در اندازه ۱۶\*۲۴ سم، ۴۴۸ برگ، ۲۳ سطر در سال ۸۹۶ ق تحریر یافته است.
- نسخه کتابخانه آیت‌الله‌العظمی‌مرعشی‌نجفی به شماره ۱۲۷۴۳، نسخه در اندازه ۲۲\*۱۸ سم، ۲۸۲ برگ، ۱۸ سطر و در قرن ۱۳ کتابت شده است.
- نسخه کتابخانه کاظمینی به شماره ۴۳۵، نسخه در اندازه ۵/۱۲\*۱۸/۵ سم، ۳۰۸ برگ، ۱۵ سطر و در قرن ۱۱ نگاشته شده است.
- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۵۵۹۱، نسخه در اندازه ۱۵\*۲۱ سم، ۱۴۰ برگ، ۱۷ سطر و در قرن ۱۳ نگاشته شده است (درایتی، ۱۳۹۰: ۹۳۴/۲۸).

نسخه کتابخانه مرعشی با متن نسخه دانشکده پزشکی دانشگاه تهران مطابقت دارد ولیکن دو نسخه کتابخانه کاظمینی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی با متن نسخه دانشکده پزشکی دانشگاه تهران که به خط مؤلف است مطابقت ندارند.

علاوه بر نسخه‌های موجود در ایران، نسخه *مرآة الصحة* کتابخانه ایاصوفیه ترکیه به شماره ۴۷۴۲، بدون تاریخ و در ۶۲ برگ (منزوی، ۱۳۷۸: ۳۶۹۷) در این پژوهش بررسی شد. این نسخه نیز با متن نسخه *مرآة الصحة* به خط مؤلف موجود در دانشگاه تهران همخوانی ندارد و تأکید مؤلف به رعایت حفظ صحت است. به نظر می‌رسد مؤلف این نسخه را در زمان دیگری به قصد خلاصه نسخه قبلی و به‌منظور تألیف رساله‌ای در نگهداشت حفظ صحت نگاشته است.

### ساختار اثر

مؤلف، در آغاز کتاب پس از حمد و ستایش الهی، اشاره‌ای کوتاه به جایگاه ارزشمند طب و طبابت داشته و ابیاتی در سبب تألیف و مدح سلطان بایزید دوم سروده است. مقدمه به کیفیت تولد جنین اختصاص دارد و

در مقاله اول تعریفی از طب آمده و به دو شاخه نظری و عملی تقسیم شده است. قسم نظری مشتمل بر چهار جزء است، در جزء اول امور طبیعی که عبارتند از ارکان چهار گانه (آب، آتش، خاک و هوا)؛ مزاج‌های نه‌گانه که عبارتند از چهار مزاج ساده (گرم، سرد، مرطوب و خشک)، چهار مزاج مرکب و مزاج معتدل؛ اخلاط چهارگانه (خون، بلغم، صفرا و سودا)؛ ارواح (طبیعی، نفسانی و حیوانی)؛ قوی (طبیعی، نفسانی و حیوانی)؛ افعال مفرد و مرکب؛ اعضا مفرد و مرکب تبیین شده است. جزء دوم در احوال بدن در سه مبحث صحت و مرض (سوء مزاج ساده، سوء مزاج مادی و سوء ترکیب) و حالت ثالثه؛ جزء سوم در اسباب و جزء چهارم در دلایل است.

قسم عملی به دو جزء علم به حفظ صحت و علم به استرداد مثل صحت معدومه ما امکان منقسم شده است. جزء اول در دوازده شرط تدوین شده که عبارتند از شرط اول صنعت حفظ الصحه؛ شرط دوم در منفعت کیفیت هوا (فصل صیف، فصل شتا، فصل ربیع، فصل خریف، تغییرات غیر طبیعی اهویه، موجبات مساکن اختیار مساکن)؛ شرط سوم در حرکت و سکون بدنی؛ شرط چهارم در ماکول و مشروب؛ شرط پنجم در نوم و یقظه؛ شرط ششم در استفراغ و احتقان مشتمل بر مباحثی چون تدبیر حمام، تدبیر جماع، تدبیر استفراغ به قی، تدبیر استفراغ به اسهال، تدبیر استفراغ به فصد، تدبیر حجامت، تدبیر استفراغ به حقنه؛ شرط هفتم در تدبیر حرکات نفسانی؛ شرط هشتم در تدبیر سوء المزاج؛ شرط نهم در بیان احوال بدن که دلالت کند بر تولد امراض و تدبیر ازاله آن از جهت حفظ صحت؛ شرط دهم در حفظ صحت ترکیب طبیعی است که از مباحثی چون تدبیر ارضاعه، علاج امراض اطفال، تدبیر عرق آوردن اطفال، تدبیر اطفال بعد از شیر دادن، تدبیر مشایخ و تدبیر مسافر بر و بحر است.

شرط یازدهم در باب معرفت ادویه مفرده و وجه حصر آن است. در این شرط از ۱۵۴۴ داروی ساده (مفرده) و تأثیر آنها در بدن سخن به میان آمده که بسیار مختصر است و به ترتیب ابتهی مرتب شده است. داروهای ساده بر اساس قوت اولیه آنها به چهار درجه و بر حسب طبع به گرم و خشک، گرم و تر، سرد و خشک و سرد و تر تقسیم شده است. مؤلف معرفت مزاج ادویه مفرده را از طریق تجربه و قیاس میسر دانسته است. تجربه را به هفت قسم تقسیم کرده که عبارتند از: ادویه مفرده به مزاج خود باید مجرد به کیفیت واحده باشد؛ ادویه مفرده را به معتدل مزاج باید تجربه کرد؛ ادویه را صرفاً به یک علت تجربه کرد؛ دانستن ذاتی و عارضی بودن فعلی که از ادویه صادر می‌گردد؛ قوت دوا غالب بر قوت مرض باشد؛ رعایت زمان تأثیر ادویه؛ تعیین اثر دابمی یا عارضی ادویه که اثر آن را ملاحظه کرده‌اند، و قیاس را در پنج قسم بیان کرده که عبارتند از: سرعت استحالت و بطؤ؛ سرعت جمود و بطؤ آن؛ طعم و لذت؛ رایحه و لون. مؤلف پیش از پرداختن به اصل موضوع ویژگی کلی داروها مانند لطافت و کثافت (انبوهی و فشردگی)، رنگ و بو

را تعریف می‌کند. شایان ذکر است مؤلف قوت و درجه برخی از ادویه مفرده را در این باب آورده است و در تأثیر برخی داروهای ساده از صاحب منهج و صاحب جامع نقل قول آورده است.

شرط دوازدهم به نضح و بحران اختصاص دارد. بنا به گفته مؤلف، نضح به اصطلاح اطباء «پخته شدن مواد امراض و آن چنان باشد که خلط غلیظ رقیق شود و رقیق غلیظ» و نضح به اقسام حقیقی و ناقص تقسیم شده است. وی در ادامه به بحران بیماری، نشانه‌های زمان بحران، نشانه‌های خوب و بد بیماری که به بحران می‌انجامد، اشاره داشته است. مؤلف انتهای این سخن، ایام چهل روزه بحران را در جدولی ترسیم نموده سپس فواید ایام بحارین را ذکر کرده است.

جزء دوم از قسم عملی به علم علاج اختصاص دارد. مقاله اول در باره بیماری‌های گوناگون از سر تا قدم، علل ابتلا به آنها و نشانه‌ها و روش‌های درمان هر یک است. در این مقاله، نخست بیماری تعریف، سبب و علامت آن بیان شده است سپس علاج به ادویه، اشربه و اغذیه؛ تدبیر به استفراغ؛ محترزات و تدبیر امور خارجیه ذکر گردیده است. مقاله دوم به حمیات و مقاله سوم به اورام و بثور اختصاص دارد، مؤلف حدوث اورام را در نتیجه اجتماع اخلاط و بثورات را به حسب مواد سته (دموی، صفراوی، بلغمی، سودایی، مایی و ریجی) دانسته است. مقاله چهارم به کسر عظم و خلع و وژی و دهن و آفت جلد و آفت شعر و نقصان زینت اختصاص دارد. مقاله‌های دوم، سوم و چهارم ساختاری مشابه با ساختار مقاله اول قسم عملی دارند. مقاله پنجم در تدبیر احتراز از سموم و تدبیر علاج آنهاست. این مقاله مشتمل بر تدبیر احتراز سموم، تدبیر علاج کلی، سمومات حیوانیه، سمومات نباتیه و سمومات معدنیه است، در پایان این مقاله، مؤلف به چند ترکیب مجرب که از استادان این صنعت استماع کرده اشاره داشته است. خاتمه به اقسام و انواع اشکال دارویی و شیوه تهیه آنها اختصاص دارد، ترتیب آوردن مداخل این بخش از قاعده خاصی پیروی نمی‌کند. مؤلف در ابتدای برخی مداخل، توضیحی در باب اصلاحات دارویی و درمانی آن مدخل آورده است مانند سعوطات (داروهای که در بینی چکانده می‌شوند)، عطوسات (داروهای که عطسه آورد)، شمومات (داروهای که ببینند)، قطورات و نطولات (دارویی که در گوش، چشم و بینی چکانند). در این باب، مؤلف نخست فواید نافع داروها را بر شمرده و سپس طرز تهیه آنها را آورده است. در برخی مداخل از ادویه طبای متقدم و ادویه حکمای هند یاد کرده، به عنوان مثال در باب حب سورنجان چنین آورده است: «حب سورنجان صاحب ذخیره نافع اوجاع مفاصل و نقرس و عرق النسا و وجع ظهر و ورک بود» و «صفت معجونی که اطباء هند ساخته‌اند از برای حبس نزله و سعال حار را نافع بود و مقوی هضم بود» (غیاث الدین، مرآة الصحّة: ۴۰۳). مؤلف در این بخش از آثار بسیاری از پیشینیان خود بهره گرفته است. کتاب با ذکر نام مؤلف، تاریخ تألیف و ایبانی در مدح و ثنای سلطان بایزید دوم به اتمام رسیده است (غیاث‌الدین،

مرآة الصحة: ۴۴۸-۱).

### شناسایی منابع ناگفته اثر

پزشکان دوره اسلامی اغلب برای تألیف آثارشان علاوه بر استفاده از منابع پیشین، از تجربیات شخصی و موارد بالینی خود یاد می‌کنند، گیاه‌الدین اصفهانی نیز در این اثر به مشاهدات طبی خویش در شیراز، برسا و انگوریه اشاره داشته است (گیاه‌الدین، *مرآة الصحة*: ۳۵۰، ۲۶۹، ۴۱). اما اندک شماری از اطباء دوره اسلامی همچون محمد بن زکریا رازی و ابوریحان بیرونی مآخذ مورد استفاده خود را در آثارشان ذکر کرده‌اند (کرامتی، ۱۳۸۰: ۱۷۹). گیاه‌الدین اصفهانی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در اثرش به نام پزشکان و آثار آنان اندک اشاره کرده است. بر این اساس برای آگاهی از مآخذ آن، متن *مرآة الصحة* با شماری از آثار کهن طبی از قبیل *الحاوی فی الطب و المنصوری فی الطب رازی*، *قانون فی الطب ابن سینا*، *حفظ البدن* فخر رازی، *ذخیره خوارزمشاهی*، *الاعراض الطبییه و المباحث العلائیه و یادگار سید اسماعیل جرجانی*، *کفایة المجاهدیه و تشریح الابدان* منصور بن محمد الیاس شیرازی، *شرح آفسرایه جمال‌الدین آفسرایه*، *اختیارات بدیعی و مفتاح الخزاین* حاجی زین‌الدین عطار، *الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه ابن بیطار*، *قرباذین القلانسی* قلانسی سمرقندی و *منهاج البیان فی ما یستعمله الانسان* با معیارهای «شابهت تقریبی»، «نقل قول به تصریح»، «نقل قول بدون تصریح» مطابقت داده شد. به نظر می‌رسد گیاه‌الدین اصفهانی در نگارش اثر خود بیشترین بهره را از کتاب‌های *تشریح الابدان*، *قانون فی الطب*، *ذخیره خوارزمشاهی* و *اختیارات بدیعی* برده است. در ادامه به تعداد اندکی از بیشترین تشابهات متنی این آثار با *مرآة الصحة* اشاره می‌گردد.

کتاب *تشریح الابدان* نوشته منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس شیرازی است. کتاب مشتمل بر یک مقدمه، پنج مقاله و یک خاتمه است. مقدمه کتاب در باره کالبدشناسی و مقالات آن به ترتیب به استخوان، پی، ماهیچه، سیاهرگ و سرخرگ پرداخته است. پایان کتاب بحث‌های مفصلی در باره اندام‌های آلی و در خصوص باروری دارد (ابن الیاس، ۱۳۸۸). مقایسه متن *مرآة الصحة* و *تشریح الابدان* حاکی از آن است که گیاه‌الدین بیست درصد از متن کتاب *تشریح الابدان* را در اثر خود آورده است. وی در نگارش «مقدمه» اثرش از «مقدمه»، «کیفیت تولد جنین» و «هیأت نشستن او در رحم» کتاب *تشریح الابدان* بهره فراوان برده است به طوری که برخی از جملات کاملاً یکسان هستند. همچنین وی در مبحث «امور طبیعی در اعضا» نیز از این کتاب بسیار بهره برده است.

و منها القابل المعطى و منها واحدٌ وحده / و منها العکس الاولی فهذا اربعة یُروی. از اعضا که آن معطی مطلق بود قلب است به مذهب ارسطو که قلب اعطاء قوت و روح حیوانی به جمیع بدن می کند و از غیر هیچ شیء اخذ نمی کنند یعنی چون محل روح حیوانی قلب است و مجموع قوی از مبداء حقیقی که آن نفس ناطقه است فایض می شود و به روحی که در تجویف بطن ایسر قلب است و بواسطه شرایین و عروق به جمیع بدن منتشر می گردد و بنابراین منبع جمیع قوی قلب باشد (غیاث الدین، *مرآة الصحة*، ۲۰).

و اعضا یا آنکه معطی مطلق بود، چون دل به مذهب ارسطو که اعطای قوّه حیوانی به جمیع بدن می کند و از غیر هیچ نمی ستاند؛ یعنی چون محلّ روح حیوانی دل است و مجموع قوی از مبداء حقیقی که آن نفس ناطقه است، فایض می شود به روحی که در قلب است و به واسطه شرایین از او به جمیع بدن منتشر می گردد. بنابراین محلّ و منبع جمیع قوی قلب باشد...

و منها القابل المعطى و منها آخذٌ وحده / و منها العکس لاولی فهذا اربع یروی. (ابن الیاس شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۶).

هیأت نشستن جنین در رحم آن است که بر کعب نشسته و هر دو زانو به سینه باز نهاده و بینی در میان زانوها نهاده و هر دو چشم فرو گرفته و بر پشت دست نهاده و روی به طرف مادر کرده و بعضی برآند که روی دختر به طرف مادر است و در آن وضع ملاحظه حمایت قلب است و این هیأت اوثق است جهت انقلاب و اقرب شکل طبیعی جهت خروج و اگر متعدد بود یکی بر خلف یکی واقع باشد و بوعلی سینا در شفا آورده است که پنج فرزند در حملی آورده اند و همچنین بیست فرزند به پنج حمل آورده اند ... (غیاث الدین، *مرآة الصحة*: ۶-۷).

هیأت نشستن او در رحم آن است که بر کعب نشسته و هر دو کف دست بر زانوها نهاده و هر دو چشم فرو گرفته و بر پشت دست نهاده و روی به طرف مادر کرده و بعضی برآند که روی دختر به طرف مادر است و در آن وضع ملاحظه حمایت قلب است و این هیأت اوثق است جهت انقلاب و اقرب شکل طبیعی جهت خروج و اگر متعدد بود یکی بر خلف یکی واقع باشد و بوعلی سینا در شفا آورده است که پنج فرزند در حملی آورده اند و همچنین بیست فرزند به پنج حمل آورده اند ... (ابن الیاس شیرازی: ۱۳۸۸: ۴۳).

کتاب *قانون فی الطب* نوشته ابوعلی حسین بن سینا (۴۲۸-۳۷۰ ق / ۱۰۳۷-۹۸۰ م)، دانشمند بزرگ جهان اسلام و ایران، مهم ترین کتاب طبی وی به شمار می رود. (ابن سینا، ۱۲۹۴). غیاث الدین اصفهانی در نگارش «امور طبیعی در مزاج»، «امور طبیعی در اعضا»، «تدابیر حفظ الصحة» و «امراض از فرق تا قدم» *مرآة الصحة* از کتاب *قانون فی الطب* بهره برده است.



اختیار مساکن واجب است هر صاحب مسکن را معرفت تربت ارض و حال او در ارتفاع و انخفاض و استتار و انکشاف و آب و باد و حال اهل بلد در صحت و مرض که اهل آن بلد به کدام مرض معتادند و قوت و ضعف ایشان و هضم جنس اغذیه و حال بنای ایشان که واسع البناست یا منفسخ است یا ضیق المداخل است و یا مخنوق المنافس است یا نه بعد از آن واجب است در و دریچه باز کردن به جانب شمال و مشرق از جهت باد شمال و اصلاح هوا به اشعه شمس و منافذ شمس از هر جانبی باید و مجاورت میاه عذبه جاریه کثیره نظیفه که زود گرم شود در صیف و زود سرد شود در شتا و باقی احوال مذکوره بقدر احتمال رعایت باید کرد (گیاه‌الدین، *مرآة الصحة*: ۶۸).

ینبغی لمن یختار المساکن أن یعرف تربة الأرض و حالها فی الارتفاع و الانخفاض و الانکشاف و الاستتار و ماءها و جوهر مائها و حاله فی البروز و الانکشاف أو فی الارتفاع و الانخفاض، و هل هی معرّضة للرياح أو غائراً فی الأرض و یعرف ریاحهم. هل هی الصحیحة الباردة و ما الذی یجاورها من البحار و البطائح و الجبال و المعادن، و یعرف حال أهل البلد فی الصحة و الأمراض، و أیّ الأمراض یعتاد بهم و یعرف قوتهم و هضمهم و جنس أغذیتهم، و یعرف حال مائها و هل هو واسع منفتح أو ضیق المداخل مخنوق المنافس، ثم یجب أن یجعل الکوی و الأبواب شرقیة شمالیة، و یكون العمدة علی تمکین الرياح المشرقیة من مداخلة الأبنیة و تمکین الشمس من الوصول إلى کل موضع فیها، فإنها هی المصلحة للهواء. و مجاورة المیاه العذبة الکریمة الجاریة الغمرة النظیفة التي تبرد شتاء و تسخن صیفاً، خلاف الکامنة أمر جید منتفع به. فقد تکلمنا فی الهواء و المساکن کلاماً مشروحاً، و خلیق بنا أن نتکلم فیما یتلوها من الأسباب المعدودة معها (ابن سینا، ج ۱، ص ۱۲۹).

امراض مجاری و آن سه قسم است یکی اتساع مجاری ضیقه مثل انتشار و دوالی دوم تنگ شدن منفذی که فراخ باید مثل علت خناق، سوم انسداد است مانند سده که در ثقبه عنیبه و غیر آن واقع شود (گیاه‌الدین، *مرآة الصحة*: ۴۱).

أمراض المجاری، و هی ثلاثة أصناف لأنها، إما أن تتسع کانتشار العین، و کالسبل و کالدوالی، أو تضیق کضیق ثقب العین و منافذ النفس و المريء، أو تنسد کانسداد الثقبه العنیبة و عروق الکبد و غیرها (ابن سینا، ۱۴۲۶، ج ۱: ۱۰۷).

کتاب ذخیره خوارزمشاهی نخستین و مفصل‌ترین اثر سید اسماعیل جرجانی، پزشک سرشناس قرون پنجم و ششم هجری است. وی این کتاب را برای قطب‌الدین محمد بن انوشنگین (حک ۴۹۰-۵۲۱ق/۱۰۹۷-۱۱۲۷م) به نگارش درآورده است (جرجانی، ۱۳۹۱: ۲). گیاه‌الدین در نگارش «مقدمه»، «دلایل»، «استفراغ و احتقان»، «در امراض از فرق تا قدم» و «تدبیر احتراز از سموم و تدبیر علاج آنها»

مرآة الصحة از کتاب ذخیره خوارزمشاهی بهره برده است.

روغن حسک گرفتگی بول را بگشاید و مجاری بول پاک کند و قوت باه زیاده کند. بگیرند روغن سمسوم و شیر گاو و آب حسک تر کوفته و فشارده از هر یک پنج رطل بغدادی پانید دو رطل و نیم بغدادی زنجبیل یک رطل پانید را بکوبند و زنجبیل را نیم کوفته کنند و حسک و شیر و روغن بجوشانند به آتش نرم بجوشانند به آتش نرم تا شیر و آب برود و روغن بماند پس پیالیند خوردن و طلی کردن نافع بود (غیاث الدین، مرآة الصحة: ۴۴۰).  
 روغن حسک گرفتگی بول را بگشاید و مجاری بول را پاک کند و قوت باه را زیادت کند. بگیرند روغن کنجد و شیر گاو و آب حسک تر کوفته و فشارده از هر یک پنج رطل بغدادی، پانید دو رطل و نیم، و بخشک یک رطل، پانید بکوبند و بییزند و زنجبیل را نیم کوفته کنند و هر دو را در این روغن و آب حسک و شیر بییزند به آتش نرم تا شیر برود و روغن بماند. پس پیالیند خوردن و طلی کردن سود دارد (جرجانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۵۸۴).

غرغره که دماغ را پاک سازد. بگیرند عاقرقرا و داربلبل و زنجبیل و صعتر و خردل سپید و زوفای خشک و ایارج فیکرا از هر یک برابر کوفته و بیخته به سرکه عنصل تر کرده به عسل بسرشند و مقدار دو درهم از آن در آبکامه یا در سکنجبین عنصلی حل کنند و غرغره کنند (غیاث الدین، مرآة الصحة: ۴۲۸).  
 غرغره که دماغ را پاک کند. بگیرند عاقرقرا، داربلبل، زنجبیل، صعتر، خردل سپید، زوفای خشک، ایارج فیکرا همه راستاراست کوفته و بیخته به سرکه عنصل تر کنند و به انگبین بسرشند و مقدار دو درهم سنگ در آبکامه یا در سکنجبین عنصلی حل کنند و بدان غرغره کنند (جرجانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۵۴۳).

کتاب/اختیارات بدیعی نوشته حاجی زین الدین العطار (۷۳۰-۸۰۶ ق)، شامل دیباچه‌ای کوتاه و دو مقاله است. مقاله اول در بیان داروهای مفرده گیاهی، معدنی و جانوری؛ نام‌های آنها به زبان‌های دیگر؛ ابدال و اصلاح و فایده و ضرر آنهاست. مقاله دوم درباره داروهای ترکیبی و در خاتمه کتاب فهرستی از نام ادویه وجود دارد (انصاری شیرازی، ۱۳۹۴). حسین بن علی بن حسین فرزند حاجی زین الدین، پس از مرگ پدر به تدریج یادداشت‌هایی به اختیارات بدیعی افزوده که گاه این یادداشت‌ها با عبارت «ابن مؤلف» متمایز شده‌اند. دست نویس‌های متعددی از اختیارات بدیعی در کتابخانه‌های ایران و جهان وجود دارد که دارای اختلاف هستند. مقایسه دست نویس‌های مؤلف و ابن مؤلف حاکی از آن است مداخل «افزغنج، افایوه، اندروخورون، اوتشین، بنتومه، جمهوری، شجره الوز» افزوده‌های ابن مؤلف به کتاب پدر است (کرامتی، ۱۴۰۰: ۱۰). نظر به ذکر مدخل «جمهوری» در کتاب مرآة الصحة و تشابه متنی آن با متن اختیارات بدیعی می‌توان احتمال داد که غیاث‌الدین به دست نویسی از اختیارات بدیعی با افزوده‌های ابن مؤلف دسترسی

داشته است. غیاث‌الدین در نگارش باب «معرفت ادویه مفرده و وجه حصر آن» از کتاب/اختیارات بدیعی بهره برده و ظاهراً برخی نقل قول‌های غیاث‌الدین در *مرآة الصحة* از صاحب منهاج، صاحب جامع و ابن زهر به واسطه کتاب/اختیارات بدیعی است.

بقلة خطاطیف: صاحب جامع گوید که عروق صفر است اما آنچه محقق است مامیران است (غیاث‌الدین، *مرآة الصحة*: ۱۱۳).  
بقلة خطاطیف: صاحب جامع گوید که عروق صفر است اما آنچه محقق است ذوالخطافی مامیران است (انصاری شیرازی، ۱۳۹۴: ۷۸).

جمهوری: صاحب منهاج گوید شراب انگوری است که سه سال بر آن گذشته باشد و صاحب جامع گوید شراب را چون بجوشانند تا به نیمه آید جمهوری و آن را جمهوری گویند و مثلث با دو دانگ آید و میبختج با دانگ و نیم آید (غیاث‌الدین، *مرآة الصحة*: ۱۱۹).  
جمهوری: صاحب منهاج گوید شراب انگوری است که سه سال بر آن گذشته باشد و صاحب جامع گوید شراب را چون بجوشانند تا به نیمه آید جمهوری و آن را جمهوری گویند و مثلث با دو دانگ آید و میبختج با دانگ و نیم آید (غیاث‌الدین، *مرآة الصحة*: ۱۱۹).  
جمهوری: صاحب منهاج گوید شراب انگوری است که سه سال بر آن گذشته باشد و صاحب جامع گوید شراب را چون بجوشانند تا سه من با یک من آید جمهوری گویند (انصاری شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۱۷).

حمام: به پارسی کبوتر گویند و طبیعت وی است با رطوبتی بسیار منی بیفزاید و فالج و لقوه و خدر را نافع بود و استرخای بدن و استسقا را نافع بود و این زهر گوید در خانه که کبوتر باشد از فالج و سکتة و جمود و سبات و فجاء ایمن باشد و این خاصیت حق تعالی به وی ارزانی داشته است (غیاث‌الدین، *مرآة الصحة*: ۱۲۵).  
حمام: به پارسی کبوتر گویند جالینوس گوید حار است با رطوبتی بسیار منی بیفزاید و فالج و لقوه و خدر را نافع بود و استرخای بدن و استسقا را نافع بود و این زهر گوید در خانه که کبوتر باشد از فالج و سکتة و جمود و سبات و فجاء ایمن باشد و این خاصیت حق تعالی به وی ارزانی داشته است ... (انصاری شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

به هر حال نمی‌توان ادعا کرد غیاث‌الدین هرگز به کتاب جامع المفرده ابن بیطار و منهاج الادویه فی ما يستعمله الانسان ابن جزار مراجعه نکرده است. شایان ذکر است در مقایسه اشکال دارویی کتاب *مرآة الصحة* و منابع طبّی پیشین آن تشابهات متنی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد غیاث‌الدین از کتاب‌های المنصوری فی الطب، منهاج الدکان و دستور الاعیان فی اعمال و تراکیب الادویة النافعة للابدان، منهاج البیان فی ما يستعمله الانسان، أقریاذین القلانسی نیز بهره برده است.

معجون ميعه: نافع من خلقه العتيقه و الزحير اذا لم يكن حمى و لاجراره و كانت مع ريح دموية. اخلاط أن: جنديدستر و افیون و ميعه و سايله و اسارون و بزر البنج اسود و کندر اجزی بالسويه عسل ما يجمع به يعطى مثقال الى درهمين (غياث الدين، *مرآة الصحة*: ٣٩٢).

و ينفع من الاختلاف العتيق و الزحير إذا لم يكن معه حمى و لاجراره و كانت معه ریح مؤذیه. جنديدستر و افیون و اسارون و ميعه سائله و بزر بنج اسود و مر و کندر أجزاء متساویه، و عسل ما يجمع به و الشربة منه من درهمين إلى ثلاثة ( رازی، ١٤٠٨: ص ٤٣٦).

حب ذهب: نافع صداع و وجع عینین و اذنین بود و منقی بدن بود از اخلاط رديّه. صبر سقطری بیست درم، قشر هلیج اصفر ده درم، مصطکی و کثیرا و سقمونیا و زعفران از هر یک سه درم، ورق گل سرخ پنج درم کوفته و بیخته به آب صافی بسرشدند و حبها سازند شربتی دو درم و نیم (غیاث الدین، نسخه ٢٩٣: ٤٩٤).

مغرب ينفع من أوجاع الرأس، و يجلو البصر و ينقي البدن: صبر سقطري عشرون درهما إهليلج أصفر عشرة دراهم مصطكى و كثيرا و سقمونيا و زعفران من كل واحد ثلاثة دراهم ورد منزوع خمسة دراهم يحبب و يجفف الشربة منه من درهمين إلى درهمين و نصف (عطار اسرايلى، ١٣٨٣: ٩٩).

قرع مربى: سينه را نافع بود و ريه و مئانه كه در وى صلابتى ملاحظه رود. صنعت آن بستانند كدوى تازه شيرين نازك و پوست آن بتراشند و مغز آن بيندازند و پارهها کنند مانند انگشت و در ديگ کنند و در آب بجوشانند تا نيم پخته شود و مقدار كفايت از عسل در سر او ريزند با مقدار قليل از آب و بجوشانند به آتش نرم تا بقوام آيد و اگر از شکر سازند جايز بود (غياث الدين، نسخه ٢٩٣: ٤٩٨).

و هو جيد للصدر و المدة التي فيه، و في الزئفة و المئانة إذا كان فيها صلابة و حرارة. و صنعته: أن يقشّر القرع الحلو الطري الرطب، و ينقى من داخله، و يقطع أصبعين أصبعين، و يجعل في قدر حجارة، و يصب عليه غمرة من الماء، و يغلي غلية خفيفة؛ فإنه لا يحتمل النار، ثم يلقى في قدر أخرى، و يلقى عليه عسل الطبرزد و ماء ما يغمره، و يغلي غلية خفيفة، و يجعل في برنية خضراء، و يتعاهد عسله لتلايرخي ماء، فإن أرخى ماء فيغلي و يعاد إليه، و من أحب أن يلقى فيه الأفويه فليقل (ابن جزله، ١٤٣١: ٤٣٤).

بزر کرفس و نانخواه از هر یک هشت درم، بزر  
 رازیانج و انیسون از هر یک چهار درم، سنبل و مر  
 صافی و سلیخه و افیون از هر یک دو درم نرم بکوبند  
 و بپزند و در شراب ریحانی بسرشند و قرص سازند هر  
 یک یک مثقال و در سایه خشک سازند بعد از شش  
 ماه استعمال نمایند (گیاه الدین، نسخه ۲۹۳: ۴۲۱).  
 النافع من الزحیر و المغص و الاختلاف المفرط،  
 و قروح الأمعاء، و اختلاف الدم و نزفه، و فساد الهضم،  
 جید حاضر المنفعة. یؤخذ بزر الکرفس و نانخواه، من کل  
 کل واحد ثمانية دراهم بزر الرازیانج و انیسون، من کل  
 واحد اربعة دراهم سنبل و سلیخه و مر و افیون، من  
 کل واحد درهمان. یدق الجميع ناعما، و یعجن بشراب  
 ریحانی، و یقرص من نصف مثقال، و یجفف فی  
 الظل، و يستعمل بعد ستة اشهر (اقسرائی، ۱۳۸۷:  
 ۲۰۸).

### اشتباهات اثر

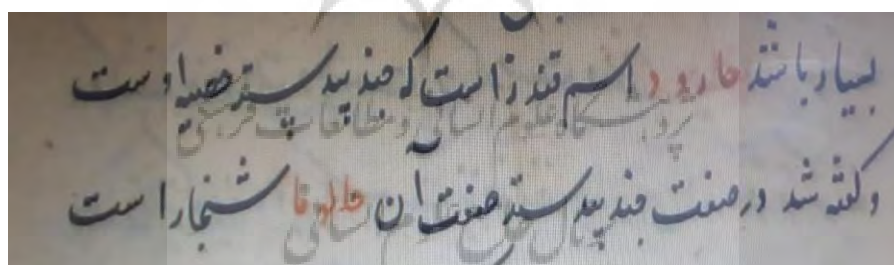
به نظر می‌رسد گاهی گیاه الدین اصفهانی حین رونویسی و استفاده از منابع دچار لغزش شده است، این لغزش‌ها در معرفی برخی مفردات مشهود است. ظاهراً وی حین رونویسی از کتاب *مفتاح الخزان* در معرفی مفردات خارود، حالوما، تن، هیرون لغزش داشته است. جدول یک، به معرفی اشتباهات گیاه الدین اصفهانی اختصاص دارد. *مفتاح الخزان* نوشته علی بن حسین انصاری شیرازی، مشهور به حاجی زین العطار (۷۳۰-۸۰۶ ق) است. کتاب دربرگیرنده یک دیباچه کوتاه و سه مقاله است. مقاله اول در خصوص شناسایی داروهای مفرد، مقاله دوم در ابدال و اصلاح آن به ترتیب ابث نام داروها و همراه مقدمه‌ای چند سطری در خصوص قوانین کلی جایگزین کردن یک دارو با داروی دیگر، و مقاله سوم در باره استعمال داروهای مرکب در دوازده باب است (کرامتی، ۱۳۹۹: ۵۲۵).

جدول ۱. ضبط اشتباه ادویه مفرده در *مرآة الصحة*

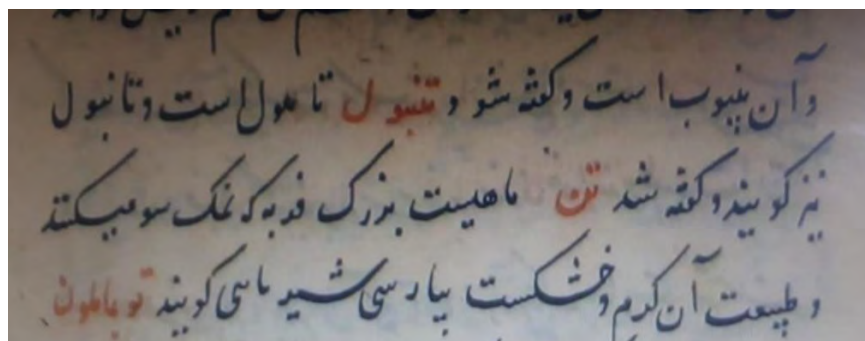
نام مفرده	ضبط مرآة الصحة	ضبط صحیح	ماخذ
خارود	شنجار	جندیبستر	جامع لمفردات الادویه و اغذیه، ۳/۲؛ الشامل فی الصناعة الطیبة، ۵۷۶/۱۰؛ مفتاح الخزان، گ ۵۵ ر.
حالوما	قندز (نام ترکی جندیبستر)	شنجار	جامع لمفردات الادویه و اغذیه، ۳/۲؛ اختیارات بدیعی، ۱۲۵؛ مفتاح الخزان، گ ۵۵ ر.
تن	تنبول	ماهی است بزرگ و فربه که نمک سود می‌کنند، به	مفتاح الخزان، گ ۴۴ پ.

نام مفرده	ضبط مرآة الصحة	ضبط صحیح	ماخذ
		فارسی شیر ماهی گویند	
رقعا	شیرخشت	سرخس	جامع لمفردات الادویه و اغذیه، ۱۴۲/۲؛ تحفة المؤمنین، ۴۳۳؛ اختیارات بدیعی، ۲۲۰؛ مفتاح الخزانن، گ ۹۱؛ مخزن الادویه، ص ۹۳۲.
سلیط	زرنب	زیت	منهاج البیان فی ما یستعمله، ۴۹۰؛ تحفة المؤمنین، ۵۰۴؛ اختیارات بدیعی، ۲۶۸؛ مفتاح الخزانن، گ ۱۰۶؛ مخزن الادویه، ۹۳۷.
طریفون	قرطم بری	شفتین	اختیارات بدیعی، ۳۳۶؛ مفتاح الخزانن، گ ۱۲۴؛ الجامع لمفردات الادویه و اغذیه، ۱۰۲/۲؛ تحفة المؤمنین، ۵۷۶.
هیرون	ننع	قصب	تحفة المومنین، ۸۵۱؛ اختیارات بدیعی، ۵۴۷؛ مخزن الادویه، ۱۰۳۱.

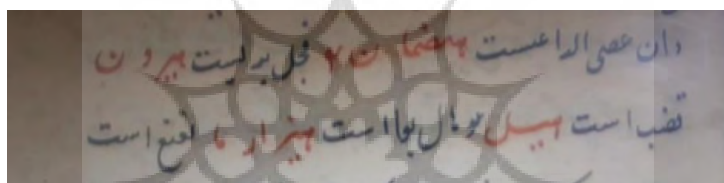
تصویر ۱. معرفی مفرده «چارود» و «حالوما» در مفتاح الخزانن



## تصویر ۲. معرفی مفرده «تن» در مفتاح الخزائن



## تصویر ۳. معرفی مفرده «هیرون» در مفتاح الخزائن



## نتیجه

غیاث الدین اصفهانی پزشک ایرانی مهاجر به قلمرو عثمانی است که کتاب *مرآة الصحة* را در سال ۸۹۶ ق به نام بایزید دوم تألیف نمود. با توجه به تاریخ نگارش این اثر و تاریخ تأسیس سلسله صفویه در ۹۰۷ ق می‌بایست از وی به عنوان یک پزشک عصر پیشا صفوی یاد کرد. کتاب *مرآة الصحة* مشتمل بر طب نظری و طب عملی است. طب نظری به چگونگی عملکرد و تغییرات بدن انسان و عوامل موثر بر آن می‌پردازد که چگونه به سلامتی یا بیماری منجر می‌گردد. طب عملی شامل روش‌هایی است که برای حفظ سلامتی یا بازگرداندن سلامتی به کار می‌روند. علم معالجات شامل سه بخش تدبیر با غذا، تدبیر با دارو و اعمال یداوی مانند جراحی، ماساژ، حجامت و فصد است. غیاث الدین اصفهانی در *مرآة الصحة* به این موضوعات به تفصیل پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، مؤلف در نگارش *مرآة الصحة* علاوه بر تجربیات خویش از منابع معتبری چون قانون فی الطب، ذخیره خوارزمشاهی، اختیارات بدیعی و تشریح الابدان بهره برده است. همچنین به نظر می‌رسد غیاث الدین در حین معرفی مفردات و استفاده از کتاب *مفتاح الخزائن* در مواردی دچار لغزش شده است. شایان ذکر است نتایج این پژوهش با ادعای سیریل الگود که صرفاً ذخیره خوارزمشاهی را منبع مهم کتاب *مرآة الصحة* دانسته مطابقت ندارد.

## منابع

- آیدین، شادی. (۱۳۸۵). عناصر فرهنگ و ادب ایرانی در شعر عثمانی (از قرن نهم تا دوازدهم هجری)، تهران: امیر کبیر.
- ابن بیطار، احمد. (۱۲۹۱ق). الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه، بولاق.
- ابن جزله، یحیی بن عیسی. (۱۴۳۱ق). منهاج البیان فی ما يستعمله الإنسان، قاهره: جامعه الدول العربیه.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۲۹۴ق). قانون فی الطب، مصر: بولاق.
- ابن نفیس قرشی، علی بن ابی حزم. (۱۳۸۷). الشامل فی الصناعات الطیبیه، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- اقسرائی، جمال الدین. (۱۳۸۷). شرح اقسرائی (حل الموجز)، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- انصاری شیرازی، علی بن حسین. (۱۳۹۴). اختیارات بدیعی. بازنویسی و تصحیح محمدرضا شمس اردکانی، فرید رضائی، تهران: چوگان.
- انصاری شیرازی، علی بن حسین. مفتاح الخزائن. نسخه شماره ۱۸۲۳ مغنیسا.
- جرجانی، سید اسماعیل. (۱۳۹۱). ذخیره خوارزمشاهی. قم: موسسه احیاء طب طبیعی.
- چتین، عبدالباقی، مقدم، علیرضا. (۱۳۸۸). مفردات: قدیمی ترین دستور زبان فارسی در آناتولی (اثری با هدف آموزش صحیح زبان فارسی). مجله تاریخ ادبیات، دوره یک، پیاپی یک، ۷۲-۵۳.
- حکیم مومن، سید محمدمومن بن محمدزمان. (۱۳۹۰). تحفة المومنین، تصحیح موسسه احیاء طب طبیعی، قم: نور وحی.
- حیدرزاده، توفیق. (۱۳۷۶-۱۳۷۵). مهاجرت علمای ایرانی به امپراتوری عثمانی (و انتقال سنت های مدارس ایرانی به آن سرزمین، از اول دوره تیموری تا اواخر عهد صفوی)، مجله فرهنگ، تاریخ علم، ۹۴-۴۹.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۹۰). فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنا)، ۴۵ جلد، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- رازی، محمد بن زکریا. (۱۴۰۸ق). المنصوری فی الطب، کویت: المنظمة العربیة و الثقافة و العلوم.
- ریاحی، محمدامین. (۱۳۶۹). زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران: انتشارات پازنگ.
- سبزواری اصفهانی، غیاث الدین. نسخه مرآة الصحة به شماره ۲۹۳، کتابخانه پزشکی دانشگاه تهران، تاریخ کتابت ۸۹۶ ق.
- سبزواری اصفهانی، غیاث الدین. نسخه مرآة الصحة به شماره ۴۳۵، کتابخانه کاظمینی یزد، تاریخ کتابت قرن ۱۱.
- سبزواری اصفهانی، غیاث الدین. نسخه مرآة الصحة به شماره ۱۵۵۹۱، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تاریخ کتابت قرن ۱۳.
- سبزواری اصفهانی، غیاث الدین. نسخه مرآة الصحة به شماره ۱۲۷۴۳، کتابخانه آیت الله مرعشی، تاریخ کتابت قرن ۱۳.
- سبزواری اصفهانی، غیاث الدین. نسخه مرآة الصحة به شماره ۳۴۷۲، کتابخانه ایاصوفیه، بی تا.
- شیرازی، منصور بن محمد بن احمد. (۱۳۸۸). تشریح الابدان، به کوشش مسعود کثیری، اصفهان: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- صفری آق قلعه، علی. (۱۳۹۱). غیاث الدین مجلد اصفهانی و نمونه ای از جلدهای ساخته او. اوراق عتیق، دفتر دوم، ۲۳۵-۲۲۹.
- عطار اسرائیلی، داود بن ابی نصر. (۱۳۸۳). منهاج الدکان و دستور الاعیان فی اعمال و تراکیب الادویه النافع للابدان، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- عقیلی خراسانی (علوی شیرازی)، محمد هادی. (۱۲۵۹ق/ ۱۸۴۴م). مخزن الادویه، کلکته.
- قلانسی سمرقندی، محمد بن بهرام. (۱۴۰۳ق). افراباذین القلانسی، مصحح محمدرضا هیر بابا، حلب: معهد التراث العلمی العربی.



کرامتی، یونس. (۱۳۸۰). بررسی منابع هدایة المتعلمین فی الطب، مقالات و بررسی ها، شماره ۳۴، دفتر ۶۹، ۱۷۷-۱۸۴.  
کرامتی، یونس. (۱۳۹۹). مفتاح الخزائن حاجی زین الدین العطار شیرازی، شناسایی منابع، تبار شناسی دست نویس ها و ارتباط آن با اختیارات بدیعی، مجله تاریخ علم، دوره ۱۸، شماره ۲، ۵۶۵-۵۲۱.  
کرامتی، یونس. (۱۴۰۰). در باب تصرفات فرزند حاجی زین الدین العطار شیرازی در اختیارات بدیعی پدرش؛ کیستی این فرزند و منابع او، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال هفدهم، شماره ۳۷.

منزوی، احمد. (۱۳۷۹). فهرستواره کتاب های فارسی، جلد پنجم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

Elgood, Cyril. (1951). A Medical history of Persia and the eastern caliphate from the earliest times until the year 1932 AD. Cambridge university press.

Elgood, Cyril. (1970). Safavid Medical Practice or the practice of Medicine, Surgery and Gynecology in Persia between 1500 and 1750AD. London.

